

سخنرانی «تحلیل آینده محیط زیست جهان: بیم ها و امیدها» با سخنرانی دکتر عبدالله قنبرلو سه شنبه مورخ ۹۴/۱۰/۱ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد.

دکتر قنبرلو در ابتدا بحث خود را با تأکید بر اینکته آغاز کردند تاکنون بیش از چهار دهه است که سازمان ملل متحد مسأله (از کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم تا کنفرانس ۲۰۱۵ پاریس) محیط زیست را به عنوان یک مسأله امنیتی در دستور کار نشست‌های خویش قرار داده، اما عملاً مشکلات زیست‌محیطی جهان همچنان در حال گسترش است و به سمت و سوی پرخطری برای بشر می رود.

وی عوامل کلیدی تخریب محیط زیست را در سه عامل اساسی خلاصه کرد: ۱. رشد اقتصاد جهان بعد از تولد نظام سرمایه داری، ۲. توسعه دانش و تکنولوژی پس از انقلاب صنعتی، و ۳. کارکرد دولت‌ها در عصر مدرن. اما مسأله مهم این است که برای نجات جهان نیز هر سه اینها لازم هستند.

رشد اقتصادی ضرورتاً مخرب محیط زیست نیست. آنچنان که در منحنی زیست محیطی سیمون کوزنتس (U وارونه) تبیین شده، به تبع رشد اقتصادی یک کشور، ابتدا فرایند تخریب محیط زیست بالا می‌رود، اما با افزایش سطح رفاه و تبدیل شدن محیط زیست از یک کالای عمومی لوکس به ضروری، استانداردهای زیست محیطی افزایش یافته و نهایتاً اوضاع بهبود می‌یابد. علم و تکنولوژی نیز نقش دوگانه دارد. همانطور که تکنولوژی صنایع متکی بر سوخت‌های فسیلی مخرب محیط زیست است، با تکنولوژی‌های پاک می‌توان محیط زیست را نجات داد. دولت‌ها از این حیث که به عنوان محرک رشد اقتصادی هستند، اهمیت محیط زیست را دست کم می‌گیرند. به علاوه، از آنجا که اقتصاد و صنعت عناصر اساسی قدرت ملی به حساب می‌آیند و دولت‌ها نیز در عرصه بین‌المللی درگیر رقابت بر سر قدرتمند، به نیازهای زیست محیطی کم توجهی می‌کنند. اما در عین حال باید توجه داشت که برای ایجاد یک رژیم زیست محیطی قدرتمند در عرصه جهانی هیچ مرجع مؤثرتر از دولت نیز وجود ندارد.

دکتر قنبرلو در بخش دوم سخنرانی خویش از سه رویکرد متمایز در زمینه نقش و اهمیت مقررات و نهادهای زیست محیطی صحبت کرد: رویکرد محافظه کار، رویکرد اصلاح طلب، و رویکرد رادیکال. طبق رویکرد محافظه کار در مورد واقعیت تخریب محیط زیست بزرگ‌نمایی شده، چرا که هشدار فعالان محیط زیست به لحاظ علمی مخدوش است. مقررات زیست محیطی نه تنها ضرورت ندارند، بلکه می‌توانند با اختلال در سیستم‌های اقتصاد بازار به رفاه جهان صدمه بزنند. رویکرد اصلاح طلب ضمن اینکه واقعیت تخریب محیط

زیست را می‌پذیرد، از تعدیل سیستم‌های اقتصاد بازار حمایت می‌کند. ایده توسعه پایدار در این راستا مطرح شده است. و طیف سوم یعنی رادیکال‌ها با اینکه واقعیت تخریب محیط زیست را می‌پذیرند، اما راه حل را در حذف اندیشه‌های فکری غالب حاکم بر جهان کنونی از جمله مدرنیسم و سرمایه‌داری می‌دانند.